

سیاست گذار
به رغم اینکه
می داند با
وابستگی بودجه
جاری به نفت
خوب نیست،
اما برای اینکه در
شرایط کنونی از
حجم نارضایتی ها
بکاهد و ثبات
اجتماعی ایجاد
کند، کسری تراز
عملیاتی را با
درآمدهای نفتی
جبران می کند



در برابر اصلاحات

جریان تشویش ذهنی با همین تحلیل غلط در مورد گذر از تحریم ها و آثار آن، پیشنهادهایی ارائه می کنند که درست نقطه مقابل اصلاحات اقتصادی بیانیه گام دوم است! آنها ادعا می کنند ما از تحریم ها عبور کردیم و پول در کشور فراوان است (که البته دیدیم صحیح نیست و ما بدون نفت، کسری تراز تجاری داریم) ولی تنها مشکل، سیاست های نئولیبرال دولت است. ایشان سپس ادعا می کنند اگر دولت می خواهد موفق شود، باید از سیاست های نئولیبرال (!) دست بردارد. وقتی دقیق می شویم، می بینیم منظورشان از سیاست های غیرلیبرال، تثبیت نرخ ارز روی قیمت های نامعقول است که هم از طریق کاهش ارزش درآمدهای نفتی، بودجه جاری را به نفت وابسته تر می کند و هم از طریق کاهش منابع دولت، عملاً از این طریق نیز بودجه را نامتوازن تر می کند. با این سیاست ها عملاً دست دولت برای کنترل نرخ ارز در بازار غیررسمی (که در واقع لنگر انتظارات در ایران است) خالی می شود و نه تنها تحریم ها کم اثر و بی اثر نمی شوند، بلکه روز به روز اثر تحریم ها در سفره مردم بیشتر می شود. جالب آنکه عمده همین افراد، اساساً با سیاست های کلی اصل ۴۴ و به طور مشخص با خصوصی سازی ها هم مخالفند. با استناد به سهم دولت در تولید ناخالص داخلی ادعا می کنند، دولت در ایران کوچک است و از این استدلال نیز، ضرورت افزایش تصدی گری های دولتی برای تحقق عدالت اقتصادی را مراد می کنند!

جمع بندی

نتیجه آنکه امروز «تشویش های ذهنی» در کنار «آشوب های عینی» دست به دست هم داده اند تا در یک هم افزایی شوم، مسیر اصلاحات اقتصادی را ببندند و اجازه حل چالش های بیرونی و درونی را ندهند. بنابراین هر پیشنهادی برای حل چالش های اقتصادی باید از مسیر تعیین تکلیف برای این دو مانع مهم بگذرد. به نظر می رسد راهبرد اتحاد ملی در عین وجود سلاقی و عقاید مختلف در جامعه که رهبر معظم انقلاب در عید فطر مطرح کردند، می تواند زمینه های ایجاد و تقویت آشوب های اجتماعی از سوی دشمنان منافع ملی را از بین ببرد. همچنین در مورد تشویش های ذهنی نیز ساختار سیاسی باید نشان دهد که به کنش گران سیاسی اجازه نخواهد داد از نمداستداد مسیر اصلاحات اقتصادی مبتنی بر بیانیه گام دوم، برای خود کلاه انتخاباتی بدوزند!

مستقیم به کسب و کارها وارد می کنند، از طرفی که ذکر شد، اعمال اصلاحات اقتصادی را نیز دشوار می سازند.

تشویش های ذهنی

آشوب های عینی اگر به طور غیرمستقیم اصلاحات اقتصادی را دشوار می کنند، تشویش های ذهنی ایجاد شده از سوی جریان های شبه علمی اما به طور مستقیم ذهنیت ایرانیان را نشانه گرفته اند و تلاش می کنند از افکار عمومی برای مقابله با اصلاحات اقتصادی ذکر شده در بخش توصیه های اقتصادی بیانیه گام دوم، سربازگیری کنند. ادعای نخست این جریان های آن است که ایران تحریم ها را پشت سر گذاشته است. استدلالشان نیز این است که «سال قبل رکورد صادرات غیرنفتی شکست و به ۵۲ میلیارد دلار رسید.» افرادی که چنین ادعایی را مطرح می کنند، اولاً اعداد را اسمی در نظرمی گیرند و افزایش تورم جهانی پس از جنگ روسیه و اوکراین را لحاظ نمی کنند. زمانی رکورد زدن در صادرات غیرنفتی برای ما مطلوب است که مجبور نباشیم به دلیل تورم جهانی، واردات را نیز با ارزش دلاری بیشتری انجام دهیم. بنابراین تراز تجاری شاخص گویاتری است. آمارهای گمرک جمهوری اسلامی ایران نشان می دهد در سال ۱۴۰۱ (تا بهمن ماه) ارزش صادرات کشور (با احتساب معیانات گازی) ۴۹ میلیارد دلار بوده، در حالی که ۵۴ میلیارد دلار واردات داشتیم؛ بنابراین تراز تجاری کشور در سال گذشته منفی بوده است.

ثانیاً، برای تحلیل بهتر در مورد تحریم ها باید برآورد علمی از شرایطی که تحریم نبودیم، داشته باشیم و ببینیم اگر چنانچه در شرایط تحریم ۵۲ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی داشتیم، در شرایط غیرتحریم این رقم چه میزان بود. اهمیت فهم نقش تحریم در رشد اقتصادی پایین و عملکرد ضعیف اقتصاد ما آن است که بدانیم چون هنوز اصلاحات اقتصادی را اعمال نکرده ایم، بر اساس بیانیه گام دوم هنوز تحریم ها کم اثر و بی اثر نشده اند. البته شکی نیست که اگر اقتصاد ایران سطحی از استحکام ساخت درونی را نمی داشت، اکنون با رشد اقتصادی مثبت و صادرات غیرنفتی قابل توجه مواجه نبودیم و وضع معیشت و سفره مردم حتماً بدتر می بود. این افراد در حالی اثر تحریم ها را صفر در نظرمی گیرند که رهبر معظم انقلاب در دیدار کارآفرینان، تولیدکنندگان و دانش بنیان ها واقع بینانه بر اثر تحریم ها در عقب افتادگی اقتصادی دهه ۱۳۹۰ تأکید کردند و آن را نیز در کنار سایر عوامل، یک عامل مهم برشمردند.